پژوهش دینی

شمارهٔ ۵۱، پاییز و زمستان ۱۴۰۴
صص ۱۹۹-۲۲۷ (مقاله پژوهشی)

Pazhouhesh Dini
No. 50, Autumn &Winter 2024/ 2025

نقض شریعت در سنت یهود: بررسی تطبیقی گزارش‌های عهد عتیق و قرآن درباره حرمت‌شکنی روز شبات (سبت) و واکنش‌های تفسیری یهودیان

الهه هادیان رسنانی[۱]

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۶/۱۸ـ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۷/۰۲)

چکیده

این پژوهش نشان می‌دهد که گزارش‌های کتاب مقدس عبری از نقض شبات و واکنش‌های تفسیری یهودیان، بیش از آنکه بازتابی مستقیم از عهدشکنی‌های تاریخی باشند، کارکردی هویت‌ساز و توجیهی یافته و در جهت بازسازی حافظه دینی و پوشاندن شکست‌های گذشته عمل کرده‌اند؛ در حالی‌که قرآن کریم همان رخدادها را با تأکید بر واقعیت تاریخی و در چارچوب سنن الهی بازخوانی می‌کند. با رویکردی تطبیقی و انتقادی، ابتدا روایت‌های کتاب مقدس از حرمت‌شکنی شبات/سبت ـ مانند ماجرای مرد هیزم‌جمع‌کن (اعداد ۱۵)، تجارت در اورشلیم (نحمیا ۱۳) و هشدارهای حزقیال و ارمیا ـ بررسی شده و سپس واکنش‌های تفسیری یهودیان از تلمود و میدرش تا تفاسیر قرون وسطی و الهیات معاصر تحلیل می‌گردد. یافته‌ها نشان می‌دهد که سنت یهودی با قانون‌گذاری فقهی و معناپردازی اخلاقی، عرفانی و فلسفی، بیشتر به ترمیم و بازسازی حافظه جمعی گرایش داشته است؛ در حالی‌که قرآن بی‌پرده بر وقوع نقض و پیامدهای الاهی آن تأکید کرده و عهدشکنی یهودیان در روز سبت را نمادی از سرکشی عهدی، آزمونی الاهی و شاخصی برای تمایز مؤمنان از متخلفان معرفی می‌نماید.

کلید واژه‌ها: شبات، روز سبت، نقض شریعت، کتاب مقدس عبری، قرآن، تفاسیر یهودی، نقد تفسیری.

۱. دانشیار گروه قرآن، دانشگاه قرآن و حدیث، تهران، ایران؛ hadian.e@hadith.ir

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

۱. بیان مسئله

شبات در سنت یهودی نه تنها یک حکم شریعتی، بلکه یکی از ارکـان هویـت دینـی و قومی اسرائیل به شمار می‌آید. این فریضه به‌عنوان چهارمین فرمـان از ده فرمـان (خـروج ۲۰: ۸–۱۱؛ تثنیه ۵: ۱۲–۱۵) و نشانه عهد میان خدا و قوم برگزیـده معرفـی شـده اسـت (خروج ۳۱: ۱۲–۱۷). قداست شبات چنان در کانون الهیات یهود قرار دارد کـه پیـامبران، حرمت‌شکنی آن را مساوی با نقض عهد و شورش علیه خدا دانسته و پیامـد آن را سـقوط اورشلیم و تبعید قلمداد کرده‌اند (حزقیال ۲۰؛ نحمیا ۱۳). از این رو، شبات نـه صـرفاً یـک دستور عبادی، بلکه نشانه‌ای نمادین از وفاداری یا خیانت به شریعت تلقی می‌شود.

با وجود این جایگاه والا، گزارش‌های متعدد کتاب مقدس عبری نشان می‌دهد که نقض شبات در طول تاریخ دینی بنی‌اسرائیل پدیده‌ای مکـرر بـوده اسـت؛ نمونـه‌هـایی همچـون جمع‌آوری هیزم در روز شبات (اعداد ۱۵: ۳۲–۳۶) یا تجارت در روز اسـتراحت (نحمیـا ۱۳: ۱۵–۲۲) نشانگر تعارض میان آرمان‌های شریعت و واقعیـت‌هـای زنـدگی اجتمـاعی است. این امر پرسش‌هایی اساسی را پدید می‌آورد:

– آیا نقض شبات صرفاً اتهامی بیرونی علیه یهودیان است یا در خود منابع مقدس آنان نیز ثبت شده است؟

– واکنش‌های مفسران یهودی به این گزارش‌ها چگونه بوده است و آیا این واکنش‌ها را می‌توان مواجهه‌ای صریح با نقض شریعت دانست یا بیشتر جنبهٔ توجیهی داشته است؟

ضرورت مقایسه با قرآن از آن‌جاست که قرآن نیز همانند کتاب مقدس عبری، حرمت‌شکنی شبات را بازتاب داده و آن را نشانه‌ای از سرکشی دینی دانسته و مجازات‌های سـختی همچـون مسخ و لعنت را بر آن مترتب ساخته است (البقره، ۶۵؛ الاعراف، ۱۶۳–۱۶۶؛ النحل، ۱۲۴). ایـن تقارن روایی، زمینه‌ای مناسب برای تحلیل تطبیقی فراهم می‌سازد تا روشن شود قرآن چگونه بر اساس همان واقعیت‌های درونی یهودیت سخن مـی‌گویـد، امـا آن‌هـا را در چـارچوب الهیـات

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

توحیدی و سنت‌های الهی بازخوانی می‌کند.

بنابراین، این نوشتار می‌کوشد از رهگذر تحلیل درون‌متنی متون مقدس و سنت‌های تفسیری یهود، به بررسی این پرسش بپردازد که نقض شبات چگونه در الهیات و حافظه دینی یهود بازنمایی شده، و قرآن چه روایتی از آن ارائه می‌دهد؟

۲. مقدمه

شبات (سبت) به‌عنوان یکی از ارکان اساسی شریعت یهود، همواره در کانون توجه متون مقدس و تفاسیر ربانی قرار داشته است. با این حال، آنچه اهمیت این موضوع را دوچندان می‌سازد، نه فقط جایگاه شبات به‌عنوان «نماد عهد» بلکه گزارش‌های مکرر نقض آن در تاریخ دینی بنی‌اسرائیل است؛ گزارشی که هم در کتاب مقدس عبری و هم در قرآن کریم انعکاس یافته است. از این منظر، بررسی حاضر تنها مطالعه‌ای تاریخی نیست، بلکه تلاشی است برای فهم عمیق‌تر نسبت میان نص مقدس، تجربه دینی و واکنش‌های تفسیری. بر همین اساس، لازم است ابتدا به اهمیت پژوهش، روش تحقیق، پیشینه مطالعاتی و وجه نوآوری این مقاله پرداخته شود.

۲-۱. اهمیت پژوهش

شبات (سبت) از مهم‌ترین آموزه‌های یهودی است که هم در لایه فقهی و هم در لایه نمادین، نقشی کلیدی در تعریف هویت دینی بنی‌اسرائیل ایفا می‌کند. با این حال، گزارش‌های متعدد کتاب مقدس عبری نشان می‌دهد که این حکم بنیادین بارها نقض شده و خودِ متون یهودی نیز این حرمت‌شکنی‌ها را ثبت کرده‌اند. اهمیت پژوهش حاضر در آن است که این گزارش‌ها را در کنار واکنش‌های تفسیری و توجیهی یهودیان بررسی می‌کند و نشان می‌دهد که قرآن کریم نیز همان پدیده را بازتاب داده است. بدین‌سان، تحلیل هم‌زمان دو متن مقدس امکان فهم عمیق‌تری از الهیات یهودی و اسلامی و از سازوکارهای مواجهه با نقض شریعت در سنت‌های ابراهیمی را فراهم می‌آورد.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

۲-۲. روش پژوهش

این پژوهش بر پایه‌ی تحلیل درون‌متنی سامان یافته است. در گام نخست، گزارش‌های نقض شبات در کتاب مقدس عبری بررسی می‌شود تا نشان داده شود که این حرمت‌شکنی‌ها در خود سنت یهودی ثبت و بازتاب یافته است. سپس با رجوع به تفاسیر ربانی و فلسفی یهودی، شیوه‌های توجیه و تفسیر این نقض‌ها تحلیل می‌گردد. در ادامه، آیات قرآن کریم درباره سبت مورد توجه قرار می‌گیرد تا نشان داده شود که هم در متون یهودی و هم در قرآن، نقض این حکم الهی به‌صراحت گزارش شده است و هر دو سنت دینی بر وقوع این حرمت‌شکنی تأکید کرده‌اند. از این رو، روش پژوهش حاضر بر تحلیل و نقد درونی سنت یهودی متمرکز است، در حالی که شواهد قرآنی نیز برای نشان دادن تأکید مشترک دو متن بر یک واقعیت تاریخی و الهی به کار گرفته می‌شود.

۲-۳. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های مرتبط با شبات را می‌توان در سه دسته عمده طبقه‌بندی کرد: مطالعات سنتی ربانی، پژوهش‌های مدرن در الهیات یهود، و بررسی‌های تاریخی – انتقادی کتاب مقدس.

در سنت ربانی، رساله شبات از تلمود بابلی و اورشلیمی، اصلی‌ترین منبع در تبیین جزئیات این فریضه است. این رساله با تفصیل در ۲۴ فصل و بیش از ۱۵۰ برگ تلمودی، به تعریف و تحدید دقیق ۳۹ فعالیت ممنوعه (ملخا) می‌پردازد؛ فعالیت‌هایی که از کارهای لازم برای برپایی خیمه مقدس در برّیه استخراج شده‌اند (خروج ۳۵– ۳۹). به علاوه، مفاهیمی چون شِووت[1] (اعمال بازدارنده برای حفظ قداست شبات)، موکْتسه[2] (اشیاء ممنوع‌الانتفاع در روز استراحت) و هوتساعه[3] (حمل از حریم خصوصی به عمومی) نیز در این رساله به تفصیل شرح داده شده است. تأکید این ادبیات بر دقت‌های فقهی نشان می‌دهد که نقض‌های مکرر شبات در تاریخ اجتماعی یهودیان، زمینه‌ساز سخت‌گیری‌های بعدی ربانی بوده است.

1. shevut
2. muktzeh
3. hotza’ah

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

در مطالعات مدرن، اثر مشهور آبراهام یوشع هشل (The Sabbath: Its Meaning for Modern Man, 1951) نقطه عطفی در بازخوانی فلسفی شبات به شمار می‌آید. هشل با طرح ایده «یهودیت دین زمان است نه مکان»، کوشید معنای شبات را از سطح احکام شریعتی به سطح تجربه قدسی و اگزیستانسیال ارتقا دهد. به نظر او، تمدن مدرن با فتح فضا، زمان را قربانی کرده و شبات پاسخی الهیاتی برای بازگرداندن قداست به زمان است. هرچند این اثر در ادبیات معاصر تأثیرگذار بوده، اما به‌وضوح رویکردی معنوی – تفسیری دارد و از بررسی انتقادی نقض‌های تاریخی شبات در متن کتاب مقدس غفلت کرده است.

منابع مرجع و دایرةالمعارفی همچون Encyclopaedia Judaica (Ehrman, 1978) و Britannica بر اهمیت شبات به‌عنوان نماد عهد و شاخص هویت دینی یهودیان تأکید کرده‌اند. این آثار ضمن مرور تاریخچه و احکام، نشان می‌دهند که شبات پس از ویرانی معبد، به نهادی برای صیانت از هویت قومی بدل شد. در عین حال، تمرکز آن‌ها بیشتر بر جایگاه کلان شبات در زندگی یهودی است تا بر گزارش‌های نقض آن.

افزون بر این، در سنت اسلامی نیز ذیل آیات مربوط به روز سبت، مفسران متقدم و معاصر مباحث متنوعی مطرح کرده‌اند. تفاسیر گوناگون چون *التبیان* شیخ طوسی، *مجمع‌البیان* طبرسی، *جامع‌البیان* طبری، و همچنین *المیزان* علامه طباطبایی، ضمن نقل داستان اصحاب سبت، به تحلیل ابعاد این واقعه پرداخته‌اند. این منابع تفسیری، نقض سبت را نمونه‌ای از عهدشکنی بنی‌اسرائیل دانسته و آن را در چارچوب سنت‌های الهی قرآن – از جمله مسخ، لعن، و عذاب‌های تاریخی – تفسیر کرده‌اند. هرچند این آثار به‌وضوح جنبه تطبیقی میان قرآن و کتاب مقدس عبری را پی نمی‌گیرند، اما محتوای آن‌ها نشان می‌دهد که سبت در ادبیات قرآنی، همان کارکرد و جایگاهی را دارد که شبات در سنت یهودی دارد. بنابراین، توجه به این میراث تفسیری اسلامی، بخشی جدایی‌ناپذیر از پیشینه مطالعات مرتبط با این موضوع است.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

در حوزه عهد عتیق‌شناسی، محققانی مانند موشه واینفلد[1]، جیمز کوگل[2] و جان لونسون[3] با رویکرد تاریخی – انتقادی به تحلیل نقش شبات در ساخت هویت پساتبعیدی پرداخته‌اند. برای مثال، واینفلد بر پیوند میان احکام شبات و الهیات عهد در متون پساتبعیدی تأکید می‌کند؛ کوگل بر بازخوانی‌های میدرشی و تفسیری متمرکز است؛ و لونسون نقض شبات را نشانه‌ای از شکست پروژه الهیاتی اسرائیل باستان می‌داند. این آثار ارزشمندند، اما غالباً نقض حرمت شبات را در حاشیه بحث‌های الهیاتی قرار داده و کمتر آن را به‌عنوان موضوع مستقل تحلیل کرده‌اند.

۲-٤. وجه نوآوری پژوهش

با وجود گستردگی این پژوهش‌ها، باید توجه داشت که تمرکز اغلب آن‌ها یا بر تبیین احکام و جایگاه شبات در یهودیت بوده، یا بر معنا و کارکرد معنوی آن در عصر مدرن. در زبان فارسی نیز جز برخی مقالات عمومی یا توضیحی، پژوهش‌های تحلیلی و نقادانه در این حوزه بسیار اندک است. آنچه کمتر مورد توجه قرار گرفته، بررسی گزارش‌های نقض حرمت شبات در خود کتاب مقدس عبری است؛ گزارش‌هایی که نشان می‌دهد بخشی از بنی‌اسرائیل به‌رغم صراحت احکام الهی، بارها این روز را حرمت نگه نداشتند و پیامبران آنان را به‌سبب این عهدشکنی‌ها سرزنش کردند.

پژوهش حاضر دقیقاً در همین نقطه نوآوری می‌یابد. تفاوت اصلی این تحقیق با آثار پیشین، در نگاه انتقادی آن است: نخست آنکه نقض حرمت شبات نه به‌عنوان موضوعی فرعی، بلکه به‌مثابه محور تحلیل در کتاب مقدس عبری بررسی می‌شود؛ دوم آنکه توجیهاتی که خود یهودیان در سنت‌های ربانی و تفسیری برای این تخلفات ارائه کرده‌اند، تحلیل می‌گردد؛ و سوم آنکه این گزارش‌ها با روایت‌های قرآن کریم تطبیق داده می‌شود تا روشن گردد که قرآن، همانند کتاب مقدس یهود، بر همین موارد سرپیچی تأکید دارد و

1. Moshe Weinfeld
2. James Kugel
3. Jon Levenson

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

آن‌ها را نمونه‌ای از نقض شریعت و عهد الهی می‌داند. بدین‌سان، مقاله حاضر با رویکـردی بین‌متنی و انتقادی، حلقه مفقوده‌ای را میان مطالعات کتاب مقدسی و پـژوهش‌هـای قرآنـی تکمیل می‌کند و سهمی تازه در حوزه مطالعات تطبیقی یهود و اسلام ارائه می‌دهد.

۳. ریشه‌شناسی واژه «شَبات» در عبری و «سَبت» در عربی

واژه شَبات[1] در زبان عبری برگرفته از ریشـه ثلاثـی ש-ב-ת (sh–b–t) اسـت کـه در قالب فعلی שָׁבַת (*shavat*) به‌کار می‌رود و به‌معنـای «بازایسـتادن»، «دسـت کشـیدن از کار»، «آرام گرفتن» (مصطفوی، ۵/ ۱۷) و در سطح نمادین، «اسـتراحت خلاقانـه پـس از آفرینش» است. این فعل در تورات، نخستین‌بار در توصیف پایان آفرینش آمـده اسـت: «و [خدا] در روز هفتم بازایستاد» (پیدایش ۲: ۲) (Sarna, 1989, p. 19)

در زبان عربی نیز واژه سَبت (سَبْت) از همان ریشه سامی مشترک گرفتـه شـده اسـت. فعل «سَبَتَ یَسْبِتُ» به‌معنای «استراحت»، «آرام گرفتن» و «دست کشیدن از فعالیت» است (ابن فارس، ۳/ ۱۲۴؛ جوهری، ۱/ ۲۵۰؛ مصطفوی، ۵/ ۱۵– ۱۸) و اسـم آن بـه صـورت یَومُ السَّبت در عربی فصیح به معنای «روزی که در آن انسان از کار بازمی‌ایسـتد» بـه‌کـار می‌رود. این واژه در قرآن کریم برای اشاره به روزی خاص در شریعت یهـود آمـده اسـت: «إِنَّمَا جُعِلَ السَّبْتُ عَلَى الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ» (النحل، ۱۲۴).

براساس پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی، واژه شبات در عبری و سَـبت در عربـی، از یک ریشه مشترک در زبان‌های سامی شمال‌غربی منشأ گرفته‌اند و از لحاظ معنا، کارکرد و دلالت دینی، به‌طور کامل با یکدیگر هم‌پوشان‌اند. در واقع، هر دو واژه بـه مفهـومی واحـد اشاره دارند: بازایستادن از فعالیت روزمره به‌قصد قداست‌بخشی به زمان.

(Sarna, 1989, p. 19; Klein, 1987, p. 678; Jeffery, 2007, p. 179; Wehr, 1979, p. 381).

بنابراین، از دیدگاه زبان‌شناسی سامی، می‌تـوان گفـت: שַׁבָּת = (Shabbat) سَـبْت (Sabt) و این دو اصطلاح، هم‌ریشه، هم‌معنا، و در ادیان ابراهیمی، هم‌کارکرد تلقی می‌شوند.

---

1. *Shabbat* /שַׁבָּת

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

٤. شبات در متون مقدس یهودی

٤-١. ریشه‌های الاهیاتی: خلقت و ده‌فرمان

نخستین بنیان الاهیاتیِ شبات در روایت آفرینش است: «و خدا در روز هفتم از همه کار خود که ساخته بود فراغت یافت ... و روز هفتم را مبارک خواند و آن را تقدیس نمود» (پیدایش ۲: ۲– ۳). مفسران کتاب مقدس این تقدیس را نه صرفاً «تعطیل» بلکه اعلام قداست «زمان» می‌دانند که در معماری الاهیِ هفته، روز هفتم را به‌عنوان ساحت اختصاص‌یافته به خدا مشخص می‌کند (Sarna, 1989, pp. 19–21) . ده‌فرمان در دو نسخه اصلیِ خروج ۲۰: ۸– ۱۱ و تثنیه ۵: ۱۲– ۱۵، هر دو بر وجوب شبات تأکید دارند اما بنیاد الاهیاتی متفاوتی برجسته می‌کنند: در نسخه خروج، شبات یادبود «خلقت» است؛ در نسخه تثنیه، شبات یادبود «خروج و رهایی از بردگی» و لذا حامل پیوند پررنگ اجتماعی– اخلاقی است .(Tigay, 1996, pp. 65–68; Weinfeld, 1972, pp. 59–62) این دوگانه «خلقت/ رهایی» از همان ابتدا شبات را هم به کاسمولوژی و هم به اتیک اجتماعی پیوند زده است .(Levenson, 2024, pp. 34–37)

٤-٢. جایگاه عهدی و هویتی شبات

تورات شبات را «نشانه عهد» معرفی می‌کند: «این میان من و بنی‌اسرائیل آیتی است تا به ابد» (خروج ۳۱:۱۲–۱۷). مفهوم «آیتِ عهد» (’ôt berît) به معنای نشانهٔ آشکارِ تعلق و وفاداری به یهوه است؛ امری که در ادبیات نبوی نیز تکرار می‌شود: «سَبَت‌های مرا به شما دادم تا آیتی باشد میان من و ایشان تا بدانند که من یهوه ایشان را تقدیس می‌کنم» (حزقیال ۲۰: ۱۲، ۲۰). تفسیرهای عهد عتیقی این «آیت» را عنصر هویت‌سازِ پساتبعیدی می‌دانند که مرزهای دینی – اجتماعی جماعت را تثبیت می‌کند (Block, 1997, pp. 602–606; Levenson, 2024, pp. 91–95).

٤-٣. قداست، ضمانت‌های سخت و بُعد اجتماعی

تورات بر قداست شبات و ضمانت‌های سخت آن تصریح می‌کند: «هر که آن را

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

بی‌حرمت سازد البتّه کشته شود» (خروج ۳۱: ۱۴– ۱۵؛ نیز ۳۵: ۲– ۳). پیوند شبات با ساختار قدس – عادی، سبب شده هرگونه «ملأخه/ کارِ خلاقه» در روز هفتم به‌منزله نقض قداست تلقی شود (Milgrom, 1990, pp. 126–128; Sarna, 1991, pp. 198–201). از سوی دیگر، هر دو متن ده‌فرمان، دامنه استراحت را به «بنده و کنیز» و «چارپایان» و «بیگانهٔ مقیم» توسعه می‌دهند (خروج ۲۰: ۱۰؛ تثنیه ۵: ۱۴) و بدین‌سان بنیان اجتماعی– اخلاقیِ شبات را برجسته می‌کنند (Tigay, 1996, pp. 68–70; Fishbane, 1985, pp. 106–110).

در سطح فراتوری، حتی تهدیدهای تبعیدی نیز به «سَبَت‌های زمین» گره می‌خورند (لاویان ۲۶ : ۳۴– ۳۵) که نویسندگان پساتبعیدی آن را در تاریخ‌نگاریِ تبعید بابل بازخوانی کردند (۲ تواریخ ۳۶: ۲۱؛ cf. Sarna, 1991, p. 238). پیامبر ارمیا نیز نقض شبات را نشانه‌ای از بحران عهد دانسته و هشدار می‌دهد که اگر یهودا «دروازه‌های اورشلیم را در روز سبت نگشاید» امنیت و بقای شهر تضمین خواهد شد، اما در صورت نقض، آتش داوری الهی بر دروازه‌ها افروخته خواهد شد (ارمیا ۱۷: ۲۱– ۲۷؛Holladay, 1989, vol. 1, pp. 498–503). این ارتباط میان نقض شبات و فروپاشی شهری – سیاسی، در نهایت در روایت تبعید تحقق یافت و به‌صورت «پیامد الاهیاتیِ نقض عهد» در حافظهٔ جمعی اسرائیل باقی ماند.

۵. گزارش‌های کتاب مقدس از نقض شبات

۵-۱. اعداد ۱۵: ۳۲- ۳۶: «مرد هیزم‌جمع‌کن»

روایت «مکوشِش عِصیم/ هیزم‌جمع‌کن» دقیقاً برای صورت‌بندی نسبتِ «نصِ شریعت— کیفر» آمده است: فردی در بیابان در روز شبات هیزم گرد می آورد؛ او را نزد موسی و هارون می‌آورند؛ خداوند حکم سنگسار را اعلام می‌کند و جماعت در بیرون اردوگاه او را سنگسار می‌کنند. مفسران به دو نکته توجه داده‌اند: ۱) این روایت به‌مثابه «کِیس نمونه» نشان می‌دهد که شریعتِ شبات ضمانت کیفری بالفعل دارد؛ ۲) در سطح ادبی، پرهیز از ابهام‌های اجرایی با ارجاع مستقیم به حکم الهی برطرف می‌شود (Milgrom, 1990, pp. 126–129; Levine, 1993, pp. 401–403).

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

در سنت بعدیِ ربانی، این عمل ذیل برخی از اقسام «ملأخه» (نظیر جمع‌آوری/حمل) تحلیل شده است؛ اما در متن تورات، محورْ «بی‌حرمتیِ آشکار» و «تصریحِ کیفر» است.

۵-۲. نِحِمیا ۱۳: ۱۵- ۲۲: نقض شبات در دوره پساتبعید

نحمیا در اورشلیمِ بازسازی‌شده با الگوی نهادیِ بی‌حرمتی مواجه است: «در یهودا دیدم که در روز سبت در معاصر شراب می‌فشارند... و صید را وارد می‌کنند... و روز سبت در یهودا می‌فروشند» (۱۳: ۱۵). پاسخ نحمیا معطوف به «سیاستِ شریعت» است: توبیخِ بزرگان، بستن دروازه‌های شهر در آستانهٔ شبات، گماردن نگهبانان، و منعِ بازرگانان از بیتوته در بیرون دروازه‌ها (۱۳: ۱۹- ۲۲). مفسران نشان داده‌اند که در این متن، شبات به ابزارِ «مرزبندیِ هویتی» و «مقاومت در برابر فرسایشِ یهودیت در اقتصاد مدیترانه‌ای» بدل می‌شود (Williamson, 1985, pp. 385–390; Levenson, 2024, pp. 153–158).

اعتراف ضمنیِ متن این است که بی‌حرمتیِ شبات در سطح ساختاری رواج یافته و نیازمند سیاست‌گذاری دینی- شهری است.

۵-۳. حزقیال ۲۰ و ۲۲: شبات به‌مثابه شاخص شورش علیه عهد

حزقیال ۲۰ تاریخ اسرائیل را به‌صورت «کیفرخواستِ عهد» روایت می‌کند: «سَبَت‌های مرا سخت بی‌حرمت ساختند» (۲۰: ۱۳؛ نیز ۲۰: ۲۱). در فصل ۲۲ نیز بی‌حرمتیِ شبات در کنار خون‌ریزی و بت‌پرستی، از نمادهای فساد ساختاری است (۲۲: ۸، ۲۶). تبیین‌های تفسیری نشان می‌دهند که در الاهیات حزقیالی، شبات «آیتِ شناختِ یهوه» است؛ لذا نقض آن نه صرفاً تخلف آیینی، که برهم‌زدنِ خودِ رابطه عهدی و نشانه‌ای از «جهل الاهیاتی» جمعی است (Block, 1997, pp. 622–628; Fishbane, 1985, pp. 275–280).

این قرائت، بی‌حرمتی به شبات را شاخصی برای تشخیص «طغیان عهدی» در کل روایت تبعید می‌سازد.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

۵-٤. جمع‌بندی تحلیلی

در کناره این سه کانون روایی- بیابان (اعداد ۱۵)، اورشلیمِ بازسازی‌شده (نحمیا ۱۳)، و کیفرخواستِ نبوی (حزقیال ۲۰، ۲۲) - می‌توان الگوی روشنی دید: نقض شبات پدیده‌ای مکرر و ساختاری است؛ متن مقدس خود، هم وقوع تخلف را تصدیق می‌کند و هم آن را به سطح معناییِ «نقض عهد» ارتقا می‌دهد. هشدارهای ارمیا (۱۷: ۲۱- ۲۷) نیز همین معنا را تقویت می‌کند: شبات، معیار بقای اورشلیم است و بی‌حرمتی به آن، آغاز فروپاشی سیاسی - تبعیدی.

بدین سان، اعتراف درون متنیِ کتاب مقدس، هم پیامدهای فردی (کیفر سنگسار) و هم پیامدهای جمعی (فروپاشی و تبعید) را به نقض شبات پیوند می‌زند

(Levenson, 2024, pp. 210–215; Williamson, 1985, pp. 391–393; Holladay, 1989, vol. 1, pp. 500–503).

۶. گزارش قرآن از نقض شبات

واژه «سَبت» و داستان حرمت‌شکنی این روز، در آیات متعددی از قرآن کریم به‌صورت صریح بازتاب یافته است (البقره، ۶۵؛ النساء، ۴۷ و ۱۵۴؛ الأعراف، ۱۶۳- ۱۶۶؛ و النحل، ۱۲۴).

این واژه در عبری «شَبات» به معنای استراحت، پایان کار و یکی از ایام هفته به‌کار رفته است (ابن فارس، ۱۲۴/۳؛ جوهری، ۲۵۰/۱؛ مصطفوی، ۱۵/۵- ۱۸؛ طبرسی، ۲۶۴/۱). وجه نامگذاری آن نیز یادبود پایان آفرینش آسمان‌ها و زمین و اختصاص روزی برای عبادت خداوند دانسته شده است (پیدایش ۲: ۲) (Sarna, 1989, p. 19)

خداوند بنی‌اسرائیل را به تعظیم روز جمعه فرمان داده بود (میبدی، ۲۲۱/۱- ۲۲۲)، اما آنان با اختلاف‌ورزی و بهانه‌جویی، روز شنبه را برگزیدند و آن را بزرگ‌تر از سایر ایام پنداشتند. از این‌رو، خداوند به‌عنوان مجازات، کار کردن در روز شنبه، از جمله صید ماهی که با زندگی ساحلی آنان پیوند داشت، بر ایشان حرام ساخت. بر اساس آیه شریفه «**إِنَّمَا جُعِلَ السَّبْتُ عَلَى الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ**» (النحل، ۱۲۴) روز سبت به‌عنوان آزمونی سخت بر کسانی مقرر شد که در آن اختلاف ورزیدند. قرآن، نقض حرمت روز سبت (شبات) را نه

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

صرفاً یک تخلف فردی، بلکه تجاوزی سازمان‌یافته به میثاق الهی معرفی می‌کند. سوره اعراف به‌روشنی گزارش می‌دهد که ماهیان در روز شنبه آشکار می‌شدند و در روزهای دیگر ناپدید می‌گشتند (الاعراف، ۱۶۳). بنی‌اسرائیل که مدتی در برابر این آزمون صبر کرده بودند، سرانجام با حیله‌گری، حوضچه‌هایی در کنار دریا حفر کرده و ماهیان را در روز شنبه به آنجا می‌کشاندند تا در روز بعد صید کنند. این اقدام، مصداق آشکار «ظاهرسازی اطاعت و باطناً نافرمانی» بود که قرآن آن را تحقیر شعائر الهی می‌داند (برای نمونه نک. طبرسی، ۷۵۶/۴؛ حویزی، ۸۶/۱؛ طباطبایی، ۳۰۲/۸؛ مکارم شیرازی، ۴۱۷/۶-۴۲۸).

این تخلف در ابتدا پنهانی بود، اما به‌تدریج به شکلی علنی و گسترده در میان قوم رواج یافت. قرآن از سه گروه یاد می‌کند: صیادان متجاوز، بی‌تفاوتانی که نهی از منکر را بی‌فایده می‌دانستند، و مؤمنانی که پایبند به فرمان خدا موعظه کردند و سرانجام از متجاوزان جدا شدند (سید قطب، ۱۳۸۳/۳- ۱۳۸۵؛ ابوالفتوح رازی، ۳۲۲/۱- ۳۲۴). تنها گروه سوم، به‌سبب قیام در برابر منکر، مشمول نجات الاهی گردیدند: «فَلَمّا نَسوا ما ذُكِّروا بِهِ أَنجَينا الَّذينَ يَنهَونَ عَنِ السّوءِ» (الاعراف، ۱۶۵).

در مقابل، گروه متجاوز به‌عنوان مجازات، دچار مسخ شدند: «فَلَمَّا عَتَوْا عَنْ ما نُهُوا عَنْهُ قُلْنا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خاسِئِين» (الاعراف، ۱۶۶؛ نیز نک. البقره، ۶۵). بر اساس برخی نقل‌ها، پس از سه روز یا هفت روز، طوفانی آنان را به دریا افکند و هیچ‌یک بر خشکی باقی نماند (طبرسی، ۷۵۹/۴ و ۲۶۴/۱؛ صدرالدین شیرازی، ۴۶۸/۳). افزون بر این، قرآن از لعن بنی‌اسرائیل بر زبان داوود و عیسی یاد کرده است (المائده، ۷۸) و بسیاری از مفسران این لعن را به همان اصحاب ایله مربوط دانسته‌اند که به سبب تحقیر حرمت صید در روز شنبه، مورد نفرین پیامبران قرار گرفتند (طبرسی، ۳/ ۳۵۷). همچنین آیه ۶۰ سوره المائده، از تبدیل گروهی به «میمون و خوک» سخن می‌گوید که مفسران آن را به گناه اصحاب سبت تفسیر کرده‌اند (طبرسی، ۳/ ۳۳۳).

درباره کیفیت مسخ، بیشتر مفسران بر جسمانی بودن آن تصریح کرده‌اند و معتقدند که

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

قوم به‌راستی به صورت میمون و خوک درآمدند و مردم آنان را در همین هیئت مشاهده کردند. گروهی دیگر با استناد به محال بودن بازگشت موجود بالفعل به موجود بالقوه، مسخ را قلبی دانسته‌اند، یعنی قلوب آنان دچار دگرگونی و سقوط شد؛ با این حال، غالب مفسران قول به مسخ واقعی و جسمانی را ترجیح داده‌اند (طبرسی، ۷۵۹/۴؛ صدرالدین شیرازی، ۴۷۲/۳؛ ابوحیان، ۳۹۷/۱).

بر اساس این مجموعه شواهد، قرآن ماجرای اصحاب سبت را نمونه‌ای بارز از تحقیر شعائر الهی و شکستن میثاق می‌داند. نقض شبات، نه صرفاً لغزش فردی، بلکه حرکتی سازمان‌یافته برای گریز از فرمان خدا و ابزاری برای کسب منافع دنیوی بود. همین تجاوز ساختاری، کیفر الاهی چون مسخ و لعن را در پی داشت و در حافظه قرآنی به‌عنوان نماد سرکشی و بی‌اعتنایی به میثاق الهی باقی ماند.

۷. واکنش‌ها و توجیهات تفسیریِ یهودی

با آنکه در متون مقدس یهودی، مانند تورات و سخنان پیامبران، نقض شبات به‌روشنی ثبت شده و پیامدهای سنگینی برای آن بیان گردیده، اما سنت‌های تفسیری یهود در دوره‌های بعد کمتر به این تخلفات تاریخی به‌صورت صریح پرداخته‌اند. در عوض، بیشتر تلاش کرده‌اند قداست شبات را حفظ یا بازسازی کنند؛ گاهی با تدوین قوانین سخت‌گیرانه، گاهی با ارائه روایت‌های اخلاقی و معنوی، و گاهی با تفسیرهای عرفانی، فلسفی یا اجتماعی.

این سنت‌ها، به‌جای مواجهه مستقیم با واقعیت‌های تلخ گذشته، رویکردی بازسازی‌گرانه در پیش گرفته‌اند. در بسیاری از موارد، هدف آن بوده است که حافظه تاریخی شکست‌ها پاک‌سازی شود و تصویری آرمانی از وفاداری به شبات ارائه گردد؛ گویی شبات همیشه با قداست کامل رعایت می‌شده است. این بازسازی گاه از طریق سخت‌گیری فقهی برای پیشگیری از تکرار تخلف‌ها انجام شده، و گاه از راه روایت‌سازی‌های هویتی، امیدبخش و الهام‌بخش.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

در عین حال، در برخی از سنت‌های تفسیری، تلاش شده است خودِ تخلفات تاریخی نیز تا حدی توجیه شوند؛ به‌گونه‌ای که مفسران با ارائه دلایلی، رفتار بنی‌اسرائیل را در برخی شرایط تفسیرپذیر جلوه دهند یا زمینه‌های فرهنگی، اقتصادی یا معنوی آن را توضیح دهند. این رویکرد نیز در راستای همان الگوی کلی قرار می‌گیرد که به‌جای اعتراف صریح به عهدشکنی‌ها، نوعی معناپردازی نرم و دفاع‌محور نسبت به گذشته ارائه می‌دهد.

در این بخش، مهم‌ترین واکنش‌ها و تبیین‌های تفسیری یهودیان نسبت به مسئله نقض شبات بررسی می‌شود؛ از ساختار فقه ربانی در تلمود گرفته تا معناپردازی‌های میدرشی، سخت‌گیری‌های فرقه‌ای در متون قُمران، بازخوانی‌های عرفانی و فلسفی مفسران قرون وسطی، و در نهایت، الهیات معاصر. هدف آن است که نشان داده شود چگونه این سنت‌ها، هر یک به شیوه‌ای خاص، با مسئله نقض شبات مواجه شده‌اند و تا چه اندازه این مواجهه، بیشتر در راستای ترمیم حافظه دینی و تثبیت قداست نمادین شبات بوده است تا تحلیل صریح گذشته.

۷-۱. تلمود شبات: جزئی‌سازی فقهی در خدمت تطهیر حافظه تاریخی

یکی از نخستین و مهم‌ترین واکنش‌های سنت ربانی یهود نسبت به نقض‌های تاریخی شبات، تدوین مجموعه‌ای گسترده از قوانین و ممنوعیت‌های رفتاری در چارچوب فقه تلمودی بود. این واکنش تنها برای تعیین ضوابط عبادی نبود؛ بلکه پاسخی دیرهنگام و ساختاری به تکرار تخلف‌ها و فروپاشی قداست شبات در دوره‌های پیشین به‌شمار می‌رفت. فقه ربانی کوشید با طراحی دقیق‌ترین جزئیات رفتاری، هم از تکرار نقض‌ها جلوگیری کند و هم با ایجاد تصویری منظم و وفادارانه از رعایت شبات، خاطره تخلفات گذشته را به حاشیه براند.

در مرکز این تلاش، فهرست معروف «۳۹ ملآخه» (کارهای خلاقه‌ای که در شبات ممنوع هستند) قرار دارد که در میشنا، شبات ۷:۲ آمده و در گمارای تلمود بابلی (b. Shabbat 73a–75b) به تفصیل شرح داده شده است. این فعالیت‌ها، که برگرفته از مراحل

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

ساخت خیمه مقدس در بیابان‌اند، تقریباً تمام رفتارهای روزمره انسان را در بر می‌گیرند؛ از پخت‌وپز و نوشتن گرفته تا حمل اشیا و روشن‌کردن آتش.

افزون بر آن، مفاهیمی مانند شِووت (اعمالی که ذاتاً حرام نیستند اما با روح شبات سازگار شمرده نمی‌شوند) و مُکتسه (اشیایی که در شبات نباید با آن‌ها تعامل کرد) نیز در تلمود مطرح شده‌اند تا محدوده رفتاری مجاز را بیش از پیش محدود کنند. به‌این‌ترتیب، حتی احتمال تخلف غیرعمدی نیز از قبل مهار می‌شود.

این چارچوب فقهی، بر اساس اصل اخلاقی مشهور از میشنا پایه‌گذاری شده است: «עֲשׂוּ סְיָג לַתּוֹרָה» («برای تورات حصار بسازید» –m. Avot 1:1).

بر اساس این اصل، فقه ربانی پس از تجربه نقض‌های پی‌درپی، به‌جای تحلیل علل تاریخی تخلف، راه پیشگیری رفتاری و حصارگذاری شرعی را برگزید و از این طریق، کوشید قداست شبات را در چارچوبی جدید بازسازی کند.

در نگاه دقیق‌تر، خودِ این حجم از قانون‌گذاری و جزئی‌نگری، نشانه‌ای از بحران اجرای این حکم در گذشته است؛ چراکه اگر شبات واقعاً در تاریخ به‌شکل طبیعی و منظم رعایت می‌شد، نیازی به چنین ساختار پیچیده‌ای از ممنوعیت‌ها نبود. از این منظر، می‌توان گفت که فقه ربانی، به‌جای پذیرش شکست‌های گذشته، شبات را در چارچوبی سخت‌گیرانه بازتعریف کرده و کوشیده تصویری آرمانی از وفاداری عبادی بسازد.

در عین حال، تلمود برای جلوگیری از خشکی کامل و ایجاد تعادل انسانی، اصل پیکوح‌نفش (نجات جان) را نیز حفظ کرده است؛ به این معنا که اگر حفظ جان انسان در میان باشد، حتی احکام شبات نیز قابل تعلیق است .(b. Yoma 85b) این اصل، در ظاهر نشان‌دهنده انعطاف‌پذیری فقه ربانی است، اما در واقع، تنها استثنایی محدود بر ساختاری بسیار دقیق و سخت‌گیرانه محسوب می‌شود؛ ساختاری که هدف اصلی آن، بازسازی نمادین شبات و پاک‌سازی حافظه تاریخی از تخلفات پیشین است.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

تحلیل انتقادی

در این بازخوانی، مشخص می‌شود که جزئی‌سازی‌های فقهی در تلمود، تنها ابزاری برای جلوگیری از تخلف نبودند؛ بلکه واکنشی تفسیری برای جبران آسیب‌های گذشته و بازسازی قداست شبات بودند. سنت ربانی با تبدیل شبات به نظامی رفتاری دقیق و محدود، به‌جای بازگویی صادقانه تاریخ عهدشکنی، تلاش کرد حافظه شکست را پاک کند و به‌جای آن، الگویی آرمانی از رعایت آیینی ارائه دهد.

۷-۲. میدرش و آگادا: معنابخشی هویتی و بازنویسی حافظه جمعی

در سنت اگادایی یهود، مواجهه با نقض‌های تاریخی شبات مسیر متفاوتی از فقه ربانی در پیش گرفته است. در حالی‌که فقه تلمودی بر قانون‌گذاری دقیق برای پیشگیری از تخلف تمرکز دارد، ادبیات میدرشی و اَگادایی تلاش می‌کند معنای شبات را از طریق روایت‌های اخلاقی، عرفانی و هویتی بازتعریف کند. این سنت به‌جای تمرکز بر کیفر یا محدودسازی رفتار، بیشتر به دنبال آن است که حافظه دینی را از تصویر شکست و تخلف دور کرده و آن را با مفاهیمی مانند امید، نجات و کرامت جایگزین سازد.

در این نگاه، شبات تنها یک تکلیف شرعی نیست؛ بلکه نماد هویت قومی، قداست جمعی و نشانه‌ای از ارتباط ویژه بنی‌اسرائیل با خداوند است. تلمود بابلی در رساله شبات می‌نویسد:

«هرکس شبات را گرامی بدارد و از آن لذت ببرد (عُنگ)، آرزوهای دلش برآورده می‌شود» (b. Shabbat 118a)، و نیز: «اگر اسرائیل تنها دو شبات را به‌درستی رعایت کنند، فوراً نجات خواهند یافت» (118b)

این سخنان شبات را نه‌فقط به‌عنوان آزمونی عبادی، بلکه به‌مثابه کلید رهایی و ابزار وفاداری به عهد الاهی معرفی می‌کنند.

در ادامه همین معناپردازی، روایت نمادینی در تلمود آمده است که می‌گوید هر

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

جمعه‌شب دو فرشته، یکی نیک و دیگری شریر، به خانه انسان وارد می‌شوند. اگر خانه آماده شبات باشد و فضای قدسی در آن برقرار باشد، فرشته نیک دعا می‌کند که این وضعیت در هفته‌های بعد هم ادامه یابد، و فرشته شریر ناچار است آمین بگوید .(b. Shabbat 119b) این داستان، نه‌تنها نقش خانوادگی و روحانی شبات را تقویت می‌کند، بلکه آن را به‌عنوان کانونی برای آرامش، نظم و قداست جمعی تصویر می‌کند.

حتی گفت‌وگوی مشهور هِلِل[1] در پاسخ به پرسشی درباره شبات، جایی که «قاعده زرین» را بیان می‌کند – «آنچه بر خود نمی‌پسندی، بر دیگران مپسند» – نشان می‌دهد که شبات به‌تدریج در مرکز اخلاق اجتماعی یهودیت نیز قرار گرفته است.(b. Shabbat 31a)

تحلیل انتقادی

سنت اگادایی، برخلاف فقه، کمتر به بررسی تاریخی عهدشکنی‌ها می‌پردازد و حتی آن‌ها را بازخوانی انتقادی هم نمی‌کند. در عوض، با تولید روایت‌هایی مثبت، تأکید بر پاداش رعایت شبات، و برجسته‌سازی هویت قدسی آن، تلاش می‌کند حافظه جمعی را از «تقصیر» به سمت «امید» و «نجات» هدایت کند. به‌جای یادآوری شکست‌ها، این سنت بر فضیلت وفاداری تمرکز می‌کند و از طریق معناپردازی معنوی، حافظه تاریخی تلخ را بازنویسی می‌نماید.

در نتیجه، می‌توان گفت در سنت اگادایی، شبات به نماد رستگاری قومی و روحی تبدیل شده است؛ نمادی که کمتر بیانگر تاریخ پرچالش گذشته است و بیشتر تجسمی از آرمان وفاداری، ثواب، و نجات نهایی.

۷-۳. کتاب یوبیل‌ها و متون قُمران: سخت‌گیری فرقه‌ای و بازسازی شریعت از طریق انسداد کامل تخلف

در برخی از سنت‌های حاشیه‌ای یهودی، مانند کتاب یوبیل‌ها و طومارهای قُمران،

1. Hillel

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

واکنش به مسئله نقض شبات، نه از راه معناپردازی اخلاقی و نـه بـا الگـوی فقهـی معتـدل ربانی، بلکه با رویکردی کاملاً سخت گیرانه و مطلق گرا انجـام شـده اسـت. ایـن متـون بـا افزایش حداکثری ممنوعیت ها و بستن تمام راه های تخلف، کوشیده‌اند تصویری کاملاً پـاک و بی نقص از رعایت شبات ارائه دهند؛ گویی تنها راه حفظ قداسـت شـبات، از بـین بـردن کامل امکان نقض آن است.

در کتاب یوبیل ها، شبات تنها یک حکم دینی برای قوم اسرائیل نیست، بلکه رویـدادی کیهانی و ازلی–ابدی معرفی می‌شود. در فصل دوم این کتاب (Jub. 2: 17–33)، آمـده اسـت که شبات هم‌زمان با آفرینش جهان، توسط فرشتگان برقرار شد، و در فصـل پنجـاهم (۵۰: ۶– ۱۳)، هرگونه بی احترامی به شبات، بدون استثنا، مستوجب مرگ شمرده شده اسـت. در این نگاه، شبات قانونی جهانی و هستی شناسانه است، و نقـض آن، نـه صـرفاً گنـاه، بلکـه شورش علیه نظم کیهانی محسوب می‌شود.

در طومارهای قُمران، به‌ویژه در طومار دمشق (CD) و طومار هیکـل (Temple Scroll, 11QTa)، شدت سخت گیری ها حتی از کتاب یوبیل ها نیـز فراتـر مـی‌رود. در ایـن متـون، احکام مربوط به شبات چنان ریز و دقیق بیان شده اند که کوچک ترین اعمال روزمره را هم شامل می‌شوند، از جمله:

- محدود کردن تعداد گام‌ها در روز شبات،
- ممنوعیت کامل حمل اشیاء،
- ممنوعیت کمک به حیوانی که در چاه افتاده،
- و حتی ممنوعیت انجام اقدامات پزشکی، مگر در مواردی که خطر مرگ وجود دارد.

در طومار هیکل، شبات به عنوان مرکز نظم قدسی معبد شناخته شده و برای رعایت آن، مجموعه‌ای از دستورات اجرایی دقیق صادر شده است.

تحلیل انتقادی

این حجم از محدودیت ها و جزئی‌نگری ها، صرفاً نشان‌دهنده دقت شرعی نیست، بلکـه

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

پاسخی ریشه‌دار به تجربه‌های تاریخی از نقض مکرر شبات است. برخلاف سنت ربانی که راهکارهایی همچون پیکواح نفش (نجات جان) یا شِووت را برای ایجاد انعطاف فقهی طراحی کرده بود، سنت قُمران به‌کلی منطقه خاکستری را حذف کرده و راه هیچ‌گونه تخلفی را باقی نگذاشته است.

از این منظر، سخت‌گیری‌های افراطی این متون را می‌توان تلاشی برای بازسازی مرزهای هویتی پس از بحران عهدشکنی‌ها دانست. در پس‌زمینه این نگاه، چنین پیش‌فرضی قابل‌درک است که تخلفات گذشته چنان جدی و عمیق بوده‌اند که تنها راه جبران آن‌ها، تعریف دوباره و سخت‌گیرانه شبات به‌عنوان قلمروی مطلق از طهارت دینی است.

در واقع، این سنت‌های فرقه‌ای با ایجاد مرزهای سخت و غیرقابل عبور، حافظه‌ای جدید ساخته‌اند؛ حافظه‌ای که در آن نه از نقض خبری هست، و نه از مدارا. برخلاف دیدگاه معتدل اورشلیم، سنت قُمران راه جدایی کامل، نقض صفر، و بازسازی حافظه جمعی را در پیش گرفته است.

۷-٤. مفسران قرون وسطی: انتقال از اعتراف تاریخی به بازتولید معنایی قداست

در سنت تفسیری یهود در قرون وسطی، رویکرد تازه‌ای نسبت به شبات دیده می‌شود که با روش تلمودی در مهار رفتار تفاوت دارد. در حالی‌که فقه تلمودی از طریق قانون‌گذاری دقیق به‌دنبال کنترل اعمال و بازسازی نظم شریعت بود، مفسران این دوره کوشیدند با بازتعریف فلسفی، معنوی و عرفانی شبات، قداست آن را از سطح احکام عبادی به سطح مفاهیم بنیادین الاهیاتی ارتقا دهند.

در این تفاسیر، به‌جای بازخوانی مستقیم شکست‌های تاریخی در رعایت شبات، تلاش شده است تا شبات در مقام نشانه‌ای از آفرینش، عهد، نجات، و قداست زمان بازتصویر شود؛ به‌گونه‌ای که حافظه تلخ نقض، در ساختاری معناگرایانه جذب و پوشانده شود.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

۷-٤-۱. رَشی[1]

رَشی با استناد به سنت شفاهی، دو تعبیر کلیدی دهفرمان درباره شبات را هممعنا و همزمان میداند:

- «زاخور» (یاد کن - خروج ۲۰: ۸)
- و «شامور» (نگهدار - تثنیه ۵: ۱۲)

او مینویسد این دو واژه با هم، در یک کلام به موسی نازل شدهاند. رَشی این وحدت را نشانگر پیوند میان یادبود آفرینش و عهد الاهی میداند؛ و بدین ترتیب، شبات را به نشانوارهای از هستیشناسی و هویتشناسی دینی بدل میسازد.(Rashi on Exod 20: 8; Num 15: 32)

۷-٤-۲. ابنعزرا[2]

ابنعزرا در تفسیر مفصل خود بر خروج ۲۰:۸، بر تفاوت دقیق میان «ملآخه» (کار خلاقه) و «مناحت» (استراحت منفعل) تأکید میکند. او با تحلیل واژگان عبری، سکوت و آرامش شبات را نه تنها ترک عمل، بلکه دعوت به تأمل در نظم آفرینش میداند. در نگاه او، شبات لحظهای برای درنگ کیهانی و بازاندیشی در جایگاه انسان در هستی است (Ibn Ezra, Long Commentary on Exod 20: 8).

۷-٤-۳. موسی بن نحمان[3]

موسی بن نحمان (رامبان)، با نگاهی عرفانی، شبات را نقطه اتصال میان خلقت و نجات میداند. بهزعم او، شبات فرصتی برای شناخت قداست زمان و درک پیوند میان خداوند، تاریخ و قوم است. او این روز را نشانهای ماندگار از عهد و وسیلهای برای ادراک حضور الاهی در زمان مقدس تفسیر میکند .(Ramban on Exod 20: 8; Deut 5: 12)

1. Rashi
2. Ibn Ezra
3. Nahmanides

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

۷-٤-٤. موسی بن میمون[1]

موسی بن میمون (ابن میمـون) در کتـاب دلالـة الحـائرین (Guide for the Perplexed, III:43) دو غرض اصلی برای شبات مطرح می‌کند:

۱. یادبود آفرینش، برای تثبیت باور توحیدی؛

۲. آسایش جسم و جامعه، برای انتظام زندگی اجتماعی.

او در *مشناه توراه*، به‌ویژه در باب «هِلخوت شبات»، مفاهیمی ماننـد کَبـود (احتـرام) و عُنگ (لذت) را به تکالیف شرعی تبدیل کرده و نظامی از آداب، احکام و اخلاق دینی برای شبات ارائه مـی‌دهـد. رویکـرد او تلفیقـی از عقـل‌گرایـی فلسـفی، سـاماندهی حقـوقی و معنـاپردازی الاهیـاتی اسـت (Guide for the Perplexed, III:43; MT, Hilkhot Shabbat 30:1–3; 30: 7).

تحلیل انتقادی

آنچه در این سنت تفسیری برجسته است، تغییر موضع نسـبت بـه تخلفـات گذشـته اسـت. به‌جای بررسی علت‌ها و آثار نقض‌های تاریخی، مفسران قرون وسطی بـا معمـاری مفهـومی و معنوی تازه، شبات را در جایگاهی والا و فرازمانی قرار داده‌اند. در این چـارچوب، شـبات بـه نمودی از خلقت، رهایی، نظم کیهانی، معرفت توحیدی و اخلاق دینی بدل شده است.

این رویکرد، نه به معنای انکار تاریخ است و نه تأیید آن؛ بلکه نوعی بازنویسی الاهیـاتی بـه شمار می‌رود که به‌طور غیرمستقیم، حافظه گسسته را در ساختاری آرمانی و نمادین بـازآفرینی می‌کند. شبات، دیگر روزی با سابقه نقض و تخلف نیست، بلکه به معبد زمـان تبـدیل شـده؛ بـه نماد بی‌نقصی که در آن، قداست نه نقض می‌شود، و نه از آن پرسش می‌گردد.

۷-۵. آبراهام یوشع هِشِل: بازتعریف اگزیستانسیال شبات به‌مثابه «معبد زمان»

در قرن بیستم، با گسترش مدرنیته و چالش‌های فکری نوین، الهیات یهودی نیز کوشـید مفاهیم سنتی خود را در قالب‌هایی تازه بازخوانی کند. در این میان، آبراهام یوشع هِشِـل[2]،

1. Maimonides
2. Abraham Joshua Heschel

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

متفکری دینی و شاعرانه‌سخن، در کتاب اثرگذار خود The Sabbath (1951)، تصویری نو از شبات ارائه داد که آن را از چارچوب شریعت فقهی بیرون آورد و به افقی معنوی، وجـودی و انسان‌محور منتقل کرد.

هِشِل، تمدن مدرن را تمدن «تسخیر فضا» می‌نامد؛ عصری که انسان در آن بـه تصـرف مکان‌ها، اشیاء و منابع بیرونی مشـغول اسـت، امـا در ایـن مسـیر، زمـان و قداسـت آن را فراموش کرده است. در نگاه او، شبات پاسخ الاهی بـه ایـن گسسـت اسـت؛ روزی بـرای بازگشت به حضور، معنا، آرامش و مکث.

او می‌نویسد: «شبات، نه فراغتی معمولی از کار، بلکه رسیدن به آگاهی حضور است؛ نه تعطیلی، بلکه آشتی با زمان».(Heschel, 1951/2005, pp. 21–22)

از این دیدگاه، شبات نه صرفاً یک وظیفه شریعتی در تقویم دینی، بلکه «معبـد زمـان» است؛ فضایی قدسی که انسان می‌تواند در آن، نه از راه تملک، بلکه از راه بودن، به کرامـت و معنویت دست یابد.

در نتیجه، مخاطب هشل نه یهودی سنتی، بلکه انسان مدرن اسـت؛ انسـانی گرفتـار در اضطراب، شتاب و گم‌گشتگی، که به لحظه‌ای برای تأمل، بازاندیشی و حضور نیاز دارد.

تحلیل انتقادی

با وجود نبوغ معنوی و نگاه الهام‌بخش هشل، نکته‌ای مهم در پروژه او برجسته است:

او هیچ‌گاه به تاریخ نقض شبات در سنت یهودی اشاره‌ای نمـی‌کنـد. نـه از ماجراهـای کتاب مقدس خبری هست، و نه از تلاش‌های فقهی یا تفسیری برای حفظ قداست این روز. به‌جای آن، تصویری آرمانی و بی‌تاریخ از شبات ارائه می‌شود؛ گویی هـیچ تخلفـی وجـود نداشته، و شبات همیشه با قداستی مطلق همراه بوده است.

از این منظر، می‌توان گفت پروژه هشل نیز، هرچند با بیانی کـاملاً متفـاوت، در امتـداد همان الگوی تطهیر حافظه قرار می‌گیرد. اما این‌بار، نه از مسیر فقه یا تفسیر، بلکه از مسـیر الهیات پدیدارشناختی و زیبایی‌شناسی معنوی.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

در واقع، تاریخ پر از گسستِ شبات، در روایت هشل حذف‌شده یا نادیده گرفته شده است؛ و این حذف، آگاهانه است. زیرا هشل با ساختن افقی تازه از معنا، جای خالی تاریخ را با امید، سکون و بازآفرینی هویتی پُر می‌کند. او همان کار را انجام می‌دهد که پیش‌تر میدرش، تلمود یا حتی قُمران انجام داده بودند؛ اما در قالبی مدرن و مخاطب‌محور.

۷-۶. بازخوانی های تاریخی- انتقادی معاصر: تبیین نقض شبات در بستر واقعیت‌های اجتماعی

در تحلیل‌های تاریخی - اجتماعی معاصر، نقض شبات در جوامع یهودی دیگر صرفاً به‌عنوان «تخلف از شریعت» تفسیر نمی‌شود، بلکه به‌منزله بازتابی از تنش میان نظم ایده‌آل دینی و واقعیت‌های زیسته اقتصادی، طبقاتی، و تبعیدی تحلیل می‌شود. بر خلاف سنت‌های فقهی ارتدوکس که کوشیده‌اند شبات را در قالب الگویی سخت گیرانه و نمادین حفظ کنند، بازخوانی‌های نوین، به‌ویژه در قرائت‌های یعقوب نایوسن[1]، مشنا شبات را پاسخی به بحران‌های شدید پس از تخریب معبد دوم (۷۰ م) و شکست شورش بارکوخبا (۱۳۵ م) می‌دانند؛ عصری که در آن نظم دینی پیشین فروپاشیده و ساختارهای جمعی نگهدارنده شریعت از میان رفته بودند. نایوسن تأکید می کند که تنظیم احکام شبات در مشنا نه صرفاً جنبه نظری، بلکه کارکردی تمدن‌ساز برای بازتعریف هویت یهود در تبعید داشته است (Neusner, 2006, pp. 81–84)

از منظر نایوسن، با فقدان معبد، احکام روز شبات نه فقط به حفظ نظم آیینی، بلکه به تقدیس زمان و فضا در دل خانه‌های یهودی انجامید: غروب جمعه به‌مثابه «زمان»، خانه به‌مثابه «مکان»، و آمادگی فردی به‌مثابه «شرط تحقق مناسک» جایگزین نظام معبدی شدند (Neusner & Zahavy, 2010)

همین سازوکار، به‌ویژه در میان طبقات مزدبگیر و فرودست، با چالش‌هایی مواجه شد؛ چرا که الزام به ترک کار در شبات، در ساختار اقتصادی ناپایدارِ جوامع تبعیدی، عملاً

1. Jacob Neusner

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

ناممکن بود. به‌ویژه برای گروه‌هایی که معیشت روزانه آن‌ها وابسته به کار بدنی یا دادوستد روزانه بود، وفاداری به شبات گاه به معنای فقر و گرسنگی تعبیر می‌شد.

در همین راستا، مشنا شبات احکام گوناگونی را به‌صورت توصیه‌ای و نه مطلق، و با توجه به اختلاف دیدگاه‌ها عرضه می‌کند. برای نمونه، مدرسه هیلل در مواردی احکام آسان‌گیرانه‌تری نسبت به شبات ارائه می‌کرده است (m. Shabbat 1:7) ، و در برخی موارد مانند نجات حیوان یا زایمان، شریعت اجازه نقض شبات را داده است(m. Shabbat 18:2–3; 19:2)

همین انعطاف نشان می‌دهد که در سنت فقهی یهود، تفاوت دیدگاه درباره حدود و استثنائات شبات وجود داشته و گاه حتی نقض شبات برای نجات جان یا ضرورت‌های انسانی مشروع دانسته شده است.

در نتیجه، رویکرد تاریخی – انتقادی به نقض شبات، در پی درک این مسئله در بستر چالش های واقعی زیست یهودیان است، نه صرفاً در چارچوب تخلف آیینی. این رویکرد، در کنار بازخوانی فقه ارتدوکس معاصر توسط پژوهشگرانی چون مارک شاپیرو (Shapiro, 2004, pp. 44–49)، به ما امکان می‌دهد نقض شبات را نه‌فقط به‌عنوان جرم، بلکه به‌عنوان نشانه‌ای از گسست ساختاری در مناسبات دین و جامعه بازفهم کنیم.

نتایج مقاله

۱. شبات/ سبت به‌عنوان نماد هویت دینی و عهد الاهی

این پژوهش نشان داد که شبات/سبت در هر دو سنت یهودی و قرآنی، صرفاً یک شعیره عبادی نیست، بلکه نماد عهد میان انسان و خدا و نشانه‌ای از قداست و وفاداری جمعی است. در متون عبری، پیوند آن با آفرینش و خروج بنی‌اسرائیل برجسته شده و در قرآن، با تأکید بر آزمون اطاعت و التزام به فرمان الاهی بازخوانی شده است. این دو رویکرد نشان می‌دهد که شبات/سبت، بنیانی هویتی در نظام شریعت به‌شمار می‌آید.

۲. گزارش‌های صریح از نقض در هر دو متن قرآن و عهد عتیق

بررسی‌ها نشان داد که هم کتاب مقدس عبری و هم قرآن، نقض شبات/ سبت را

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

به‌روشنی گزارش کرده‌اند. در عهد عتیق، نمونه‌هایی همچون ماجرای مرد هیزم‌جمع‌کن (اعداد ۱۵)، تجارت در اورشلیم (نحمیا ۱۳) و هشدارهای نبوی حزقیال و ارمیا، مصادیق عهدشکنی را آشکار می‌سازند. قرآن نیز در آیاتی چون بقره ۶۵، الاعراف ۱۶۳– ۱۶۶ و نحل ۱۲۴، همان رخدادها را با شدت بیشتری بازگو کرده و پیامدهایی چون مسخ، لعن و هلاکت جمعی را مطرح کرده است. این نشان می‌دهد که هر دو متن، نقض سبت را فراتر از گناه فردی، به‌مثابه تحقیر اراده الاهی و شکستن پیمان جمعی تلقی کرده‌اند.

۳. واکنش‌های تفسیری یهودی: از فقه تا عرفان

سنت تفسیری یهودی، به‌ویژه پس از تبعید، کمتر به بازگویی مستقیم عهدشکنی‌ها پرداخته و بیشتر کوشیده است با فقه ربانی، ادبیات میدرشی، متون قُمران و کتاب یوبیل‌ها، و نیز تفاسیر فیلسوفان و عارفان، حافظه شکست را بازسازی و معنابخشی کند. این واکنش‌ها شامل تدوین جزئیات فقهی (۳۹ ملآخه)، تأکیدهای اخلاقی و عرفانی، و حتی بازتفسیرهای فلسفی ابن‌میمون بوده است. در نتیجه، شبات به‌جای آنکه یادآور شکست‌ها باشد، به نمادی از قداست، معرفت و حتی نجات بدل شد.

٤. تحلیل شکاف میان متن و تفسیر

پژوهش حاضر نشان داد که فاصله‌ای آشکار میان گزارش‌های صریح عهد عتیق و رویکردهای تفسیری یهودی وجود دارد. عهد عتیق، عهدشکنی‌ها را بی‌پرده بیان کرده‌اند، اما تفاسیر بعدی اغلب با بازنویسی، تطهیر یا تأویل، تلاش کرده‌اند این حافظه منفی را به هویتی مثبت تبدیل کنند. این روند به‌جای حافظه‌نگاری دقیق، نوعی حافظه‌سازی و بازآفرینی معنوی ایجاد کرده است.

۵. رویکرد قرآن: واقع‌نمایی تاریخی و الهیات توحیدی

در سوی دیگر، قرآن با نگاهی متمایز، نقض سبت را نه صرفاً رویدادی تاریخی، بلکه نشانه‌ای از سنت‌های الاهی در تاریخ معرفی می‌کند. در این بازخوانی، مجازات‌ها نتیجه طبیعی عهدشکنی‌اند و تفکیک مؤمنان از متخلفان بخشی از سنت نجات الاهی است. قرآن

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

در این‌جا هم به تاریخ پایبند است، هم از آن الگوی عبرت‌گیری می‌سازد، و هم آن را در چارچوب توحید و عدالت الاهی قرار می‌دهد.

۶. سهم پژوهش در مطالعات تطبیقی

بررسی تطبیقی نقض شبات در عهد عتیق و قرآن، می‌تواند پرده از تفاوت‌های بنیادین دو سنت بردارد: سنت یهودی تفسیری بیشتر به سوی بازسازی هویتی و ترمیم حافظه جمعی گرایش داشته است، در حالی که قرآن، واقعیت تاریخی نقض را آشکارا حفظ کرده و آن را در دستگاهی الهیاتی و سنت‌مدار جای داده است. بدین‌سان، این پژوهش سهمی در ادبیات تطبیقی دارد و تفاوت نگاه دو سنت به مسئله عهد، نقض، حافظه و هویت را برجسته کرده است.

جدول: تحلیل تطبیقی نقض شبات/سبت و واکنش‌های تفسیری در سنت یهودی و قرآنی

محور تحلیلی	متون یهودی (کتاب مقدس عبری و تفاسیر یهودی)	قرآن کریم و تفاسیر اسلامی	تحلیل تطبیقی و انتقادی
۱. جایگاه شبات/سبت	نماد عهد الهی، یادبود آفرینش و خروج، یکی از ده فرمان، نشانه هویت قومی اسرائیل	آزمون الهی، معیار وفاداری قوم، حکم اختصاصی بر قوم یهود	هر دو سنت، شبات را فراتر از عبادت می‌دانند؛ قرآن بُعد آزمونی و الاهیاتی آن را پررنگ‌تر می‌کند.
۲. گزارش‌های نقض	موارد متعدد نقض در متون مقدس: -اعداد ۱۵ (هیزم‌جمع‌کن) -نحمیا ۱۳ (تجارت در شبات) -حزقیال ۲۰ و ۲۲ (بی‌حرمتی ساختاری)	سوره‌های البقره، الاعراف، النحل، النساء؛ گزارش از حیله‌گری در صید ماهی و گستردگی نقض منجر به مسخ، لعن، و نابودی قوم	هر دو سنت وقوع نقض را تأیید کرده‌اند؛ قرآن تأکید بیشتری بر بعد سازمان‌یافته، تمرد و کیفر دارد.
۳. واکنش‌های تفسیری پس از	فقه ربانی (۳۹ ملآخه)، میدرش و اگادا (اخلاقی - عرفانی)،	تفاسیر شیعه و سنی: تأکید بر تاریخی بودن	سنت یهودی از بازگویی مستقیم نقض فاصله

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

نقض	قُمران (سخت‌گیری مطلق)، مفسران قرون وسطی (رشی، رامبان، ابن‌عزرا، ابن‌میمون)، هشل (معبد زمان)	نقض، مسخ جسمی یا قلبی، تمایز مؤمنان و متخلفان	گرفته و بیشتر به بازسازی معنوی پرداخته؛ قرآن حافظه تاریخی را صریح نگه داشته است.
۴. شیوه مواجهه با نقض	حذف یا کمرنگ‌کردن حافظه شکست از رهگذر قانون‌گذاری (تلمود)، روایت‌های نمادین (اگادا)، یا بازتفسیر فلسفی و عرفانی	بازتاب صریح نقض و واکنش الاهی؛ مسخ، لعن، و تفکیک مؤمنان از متخلفان	یهودیت پساتبعیدی متمایل به آرمان‌سازی است؛ قرآن نقض را در چارچوب سنن الاهی و عبرت تاریخی معنا می‌کند.
۵. نقش شبات در بازسازی هویت دینی	شبات ابزار هویت‌بخشی، مرزبندی در تبعید، و عنصر انسجام قوم یهود پس از بحران‌ها	معیار بازشناسی مؤمنان واقعی از اهل فریب؛ ابزار آزمون جمعی در تاریخ انبیا	هر دو سنت، شبات را ابزار هویتی می‌دانند، اما روش مواجهه با شکست‌ها و بازسازی، متفاوت و متضاد است.
۶. سهم مقاله در مطالعات تطبیقی	تمرکز نو بر تخلفات ثبت‌شده در متن عبری نقد لایه‌های تفسیری و بازسازی حافظه	تحلیل قرآنی از روایت اصحاب سبت تطبیق ساختاری با گزارشات عبری	مقاله با بررسی تطبیقی صریح، فاصله سنت یهودی از متن را تحلیل کرده و دقت و واقع‌گرایی قرآن را در مواجهه با تاریخ دینی نشان می‌دهد.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

کتابشناسی

۱. قرآن کریم.

۲. ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة. تحقیق و تصحیح هارون، عبدالسلام محمد. قم: مکتبة الإعلام الإسلامی، ۱۴۰۴ق.

۳. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن. تصحیح ناصح، محمدمهدی و یاحقی، محمدجعفر، مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۴۰۸ق.

۴. ابوحیان، محمد بن یوسف، البحر المحیط فی التفسیر. تحقیق جمیل، صدقی محمد، لبنان- بیروت: دار الفکر، ۱۴۲۰ق.

۵. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیة. تحقیق و تصحیح عطار، احمد عبدالغفور، بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۳۷۶ق.

۶. حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین. تصحیح رسولی، هاشم، قم: اسماعیلیان، چاپ چهارم، ۱۴۱۵ق.

۷. سید قطب، فی ظلال القرآن. لبنان- بیروت: دار الشروق، چاپ سی و پنجم، ۱۴۲۵ق.

۸. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم(صدرا). تصحیح خواجوی، محمد، قم: بیدار، چاپ دوم، ۱۳۶۱ش.

۹. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن. لبنان- بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، چاپ دوم، ۱۳۹۰ق.

۱۰. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تحصیح یزدی طباطبایی، فضل‌الله و رسولی، هاشم، تهران: ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲ش.

۱۱. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ش.

۱۲. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه. تهران: دار الکتب الإسلامیة، چاپ دهم، ۱۳۷۱ش.

۱۳. میبدی، احمد بن محمد، کشف الاسرار و عدة الابرار(معروف به تفسیر خواجه عبدالله انصاری). به اهتمام: حکمت، علی اصغر، نویسنده: انصاری، عبد الله بن محمد، (م ۴۸۱ق)، تهران: امیر کبیر، چاپ پنجم، ۱۳۷۱ ش.

14.Babylonian Talmud. (n.d.). Shabbat [תלמוד בבלי, שבת]. Retrieved from https://www.sefaria.org/Shabbat

15. Block, D. I. (1997). The Book of Ezekiel, Chapters 1–24 (NICOT, Vol. 1). Grand Rapids, MI: Eerdmans.

16. Danby, H. (Trans.). (1933). *The Mishnah: Translated from the Hebrew with Introduction and Brief Explanatory Notes*. Oxford: Oxford University Press. [m. Shabbat 7:2; m. Avot 1:1]

17. Ehrman, E. (1978). Sabbath. In Encyclopaedia Judaica (Vol. 14). Jerusalem: Keter Publishing House.

18. Encyclopaedia Britannica. (n.d.). Sabbath. Retrieved from https://www.britannica.com

19. Fishbane, M. (1985). Biblical interpretation in ancient Israel. Oxford: Clarendon Press.

20. García Martínez, F., & Tigchelaar, E. J. C. (Eds.). (1997–1998). The Dead Sea Scrolls Study Edition (Vol. 1). Leiden: Brill.

21. Heschel, A. J. (2005). The Sabbath: Its meaning for modern man (Original work published 1951). New York: Farrar, Straus and Giroux.

22. Holladay, W. L. (1989). Jeremiah 1–25 (Hermeneia, Vol. 1). Minneapolis, MN: Fortress Press.

23. Ibn Ezra, A. b. M. (n.d.). Long Commentary on Exodus [פירוש הארוך על שמות כ:ח]. In Perush Ibn Ezra ‘al ha-Torah. Retrieved from https://www.sefaria.org

24. Jeffery, A. (2007). The Foreign Vocabulary of the Qur’an (Reprint). Leiden: Brill.

25. Jewish Publication Society. (1999). Tanakh: The Holy Scriptures (2nd ed.). Philadelphia: Jewish Publication Society. Also available at Sefaria: https://www.sefaria.org/texts/Tanakh

26. Klein, E. (1987). A Comprehensive Etymological Dictionary of the Hebrew Language. Jerusalem: Carta.

27. Kugel, J. L. (2007). How to read the Bible: A guide to Scripture, then and now. New York: Free Press.

28. Levenson, J. D. (2024). *Israel’s Day of Light and Joy: The Origin, Development, and Enduring Meaning of the Jewish Sabbath*. University Park, PA: Penn State University Press.

29. Levine, B. A. (1993). *Numbers 1–20* (Anchor Bible, Vol. 4A). New York, NY: Doubleday.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

30. Maimonides, M. (n.d.). The Guide for the Perplexed (Part III, ch. 43). In Moreh Nevukhim [מורה נבוכים]. Retrieved from https://www.sefaria.org
31. Maimonides, M. (n.d.). Mishneh Torah: Hilkhot Shabbat, ch. 30, halakhot 1–3, 7. In Mishneh Torah [משנה תורה], Sefer Zemanim. Retrieved from https://www.sefaria.org
32. Mishnah. (n.d.). Tractate Shabbat [משנה שבת]. Retrieved from https://www.sefaria.org/Mishnah_Shabbat
33. Milgrom, J. (1990). Numbers (The JPS Torah Commentary). Philadelphia, PA: The Jewish Publication Society.
34. Nachmanides (Ramban). (n.d.). Commentary on the Torah. In Perush ha-Ramban ‘al ha-Torah [רמב"ן על התורה], on Exodus 20:8 and Deuteronomy 5:12. Retrieved from https://www.sefaria.org
35. Neusner, J. (2006). The Mishnah in historical and religious context. In A. J. Avery-Peck & J. Neusner (Eds.), The Mishnah in contemporary perspective: Part Two (pp. 81–88). Boston: Brill.
36. Neusner, J. (Ed.), & Zahavy, T. (Trans.). (2010). The Jerusalem Talmud: A translation and commentary. Tractate Shabbat. Peabody, MA: Hendrickson Publishers.
37. Rashi. (n.d.). Commentary on the Torah. In Perush Rashi ‘al ha-Torah [רש"י על התורה], on Exodus 20:8 and Numbers 15:32. Retrieved from https://www.sefaria.org
38. Sarna, N. M. (1991). *Exodus* (The JPS Torah Commentary). Philadelphia, PA: The Jewish Publication Society.
39. Sarna, N. M. (1989). Genesis (The JPS Torah Commentary). Philadelphia: The Jewish Publication Society.
40. Shapiro, M. B. (2004). The limits of Orthodox theology: Maimonides' thirteen principles reappraised (pp. 44–49). Oxford: Littman Library of Jewish Civilization.
41. Tigay, J. H. (1996). *Deuteronomy* (*The JPS Torah Commentary*). Philadelphia, PA: The Jewish Publication Society.
42. VanderKam, J. C. (2001). The Book of Jubilees. Sheffield: Sheffield Academic Press.
43. Wehr, H. (1979). A Dictionary of Modern Written Arabic (Edited by J. Milton Cowan). Wiesbaden: Otto Harrassowitz.
44. Weinfeld, M. (1972). *Deuteronomy and the Deuteronomic School*. Oxford: Clarendon Press.
45. Williamson, H. G. M. (1985). *Ezra, Nehemiah* (Word Biblical Commentary, Vol. 16). Waco, TX: Word Books.
46. Yadin, Y. (1977). The Temple Scroll (Vols. 1–3). Jerusalem: Israel Exploration Society.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]